



گزارش اقتصادی دولت کام حامیانش را هم شیرین نکرد

ردگیری بازتاب گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس جمهور در رسانه‌ها نشان می‌دهد سخنان تکراری و وعده‌های قدیمی وی حتی نتوانسته است توجه حامیان دولت را هم جلب کند.

ردگیری بازتاب گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس جمهور در رسانه‌ها نشان می‌دهد سخنان تکراری و وعده‌های قدیمی وی حتی نتوانسته است توجه حامیان دولت را هم جلب کند.

حسن روحانی یکشنبه شب در دوازدهمین گفت‌وگوی تلویزیونی خود در برابر مردم سخنانی را بیان کرد که نه تنها دردی از مردم دوا نکرد، حتی نتوانست در بین رسانه‌های همسوی دولت انعکاس قابل توجهی داشته باشد.

حرف‌های روحانی در برابر دوربین تلویزیون همچون سخنان ماه‌های گذشته وی پشت تریبون‌های محافل گوناگون، ضعیف بود به طوری که این بار حتی نتوانست جامعه را با روش حرف‌درمانی برای چند صباح روی ریل امیدواری قرار دهد. آمارهای رئیس جمهور آنچنان دور از ذهن بود که حتی تدبیر مشاوران ایشان برای کمک گرفتن از تصاویر و نمودارهای رنگارنگ هم نتوانست مردم را متقاعد کند که روحانی حرف‌های دقیقی می‌زند.

البته قرار نیست آمارهای رسمی اعلام شده از سوی دولت تکذیب شود و فرض بر صحت ادعای دولت است، اما چنانچه از اظهارات آحاد جامعه، چه مردم عادی و چه نخبگان اقتصادی و رسانه‌ای بر می‌آید، روحانی نتوانسته با حرف‌های خود آنان را نسبت به وضعیت اقتصادی موجود، آنچنان که او تلاش می‌کرد به مردم بقبولاند، قانع کند.

در این بین آنچه بیش از همه به چشم آمد، سکوت رسانه‌های حامی دولت در برابر سخنان روحانی بود. گویا در ماه‌های پایانی دولت یازدهم، آن‌ها که روزی هر جمله نسبتاً امیدوارکننده از لابلای سخنان رئیس جمهور را به تیتر و عکس اول خود تبدیل می‌کردند، متوجه شده‌اند که اگر قرار بود حرف‌های روحانی به نتیجه‌ای منتج شود، در سه سال و نیم گذشته می‌شد! تیتريهای «تقریباً هیچ»!

تیتر روزنامه‌های حامی دولت از سخنان رئیس جمهور، بیش از هر چیز یادآور همان کلیدواژه «تقریباً هیچ» برای کارنامه دولت است.

«سخت‌گیری به شبکه‌های اجتماعی را کم کنیم»، «به آینده اقتصاد کشور بسیار خوشبینم»، «روحانی چه گفت و چه نگفت»، «مردم بدانند حقوق غیرمعارف در دستگاه‌های دیگر هم هست»، «تلاش همگانی برای ایجاد اشتغال در کشور ضروریست»، «اگر برجام نبود، درآمد کشور کمتر از نصف می‌شد»، «تورم امسال و سال آینده تک‌رقمی خواهد ماند»، «بیکاری می‌تواند معضلی بسیار بزرگ برای جامعه باشد». این‌ها تعدادی از تیتريهای روزنامه‌های حامی دولت بود که از وضع آنها پیداست چقدر از شور و هیجان بالایی برای توصیف برنامه‌های دولت برخوردار بوده است!

این تیتريها را اگر جلوی فردی بگذارید که از هویت گوینده مطلع نباشد، احتمالاً آرزو می‌کند که؛ این فرد بسیار دلسوز و آگاه به مشکلات مردم است، بهتر است از او خواسته شود در انتخابات آینده کاندید شود تا با در دست گرفتن سکان ریاست جمهوری مشکلات مردم را یکی پس از دیگری حل کند، اما غافل از اینکه این حرف‌ها از دهان «رئیس دولت» صادر شده است! کسی که سکان اجرایی کشور را نزدیک به چهار سال است در دست دارد ولی همچنان با نزدیک شدن به انتخابات بعدی، ترجیع‌بند حرف‌هایش انتقاد از دولت قبل است!

البته حقیقتاً نمی‌توان به این نشریات خرده گرفت و لزومی نداشت آنها به گیرنده‌های خود دست بزنند، چرا که ایراد از فرستنده بود! به هر حال قرار بود معیار سنجش اوضاع اقتصادی جیب مردم باشد نه اینکه به جای دادن پاسخ‌های متقن و ارائه برنامه‌های منسجم برای حل مشکلات معیشتی، به حرف‌هایی مانند حقوق شهروندی و شبکه‌های اجتماعی و... بسنده شود و در پایان هم گفته شود که «به آینده اقتصاد کشور بسیار خوشبینم! طبیعتاً آن وعده‌های تکراری این تیتريهای بی‌رمق را رقم خواهد زد.

«قصه بگو»!

گفت‌وگوی دوازدهم رئیس جمهور با مردم آنچنان ملال‌آور بود که تندروترین رسانه‌های حامی وی هم می‌پرسند «ای کاش این

نشست برگزار نمی‌شد؛ چرا که اکنون که نشست فوق برگزار شده چه چیزی تفاوت کرده است؟ ... در واقع از دل اظهارات رئیس جمهور اطلاعات جدیدی نمی‌شد یافت و کلهم اجمعین بر نکاتی دست گذاشته شد که همگی می‌دانستیم و می‌دانستند.» و می‌افزاید: «حسن روحانی بایستی توفیقات خود و تیم همراهش را در قصه‌هایی بگنجاند و با هیجان بیان نماید... شما در گوش مردم قصه زندگی و امید نجوا کنید. بسم‌الله. وقت تنگ است.» (!)

بله درست متوجه شده‌اید. کار به جایی رسیده که حامیان دولت از رئیس جمهور می‌خواهند برای مردم «قصه» بگویند. یکی دیگر هم می‌نویسد: «گفت‌وگوی آقای رئیس‌جمهور با مجری‌های صدا و سیما انجام شد و ایشان در این رسانه حرف‌هایی زدند. پس از پایان این برنامه، به دنبال پاسخ این سوال بودم که اگر این برنامه انجام نشده بود، چه حرفی و چه اتفاقی و چه تاثیری از دست می‌رفت؟ چه شد که اگر نمی‌شد، دولت متضرر می‌گشت؟ واقعا کلیت این گفت‌وگو به چه دلیلی برگزار شد و چه سیاستی ورای آن بود؟»

البته دلیل روشن است. همان طور که نویسنده قبلی گفته است، رئیس جمهور باید قصه بگوید چرا که «وقت تنگ است» و انتخابات در پیش! چه اهمیتی دارد که مردم درگیر بیکاری و گرانی و رکود و... هستند؟ مهم این است که ایشان وقت را از دست نداده و برای مردم قصه بگویند! تورم ساعتی نیست!

یکی از محورهای سخنان رئیس جمهور در سخنان یکشنبه‌شب، تورم بود. ایشان گفتند که «معنای اینکه می‌گوییم تورم کاهش پیدا کرده، ارزانی نیست. رشد کمتر شده و یعنی آرام‌تر دارد گران می‌شود و آهسته آهسته گران می‌شود. یعنی روزانه گران نمی‌شود، ساعتی گران نمی‌شود.»

این حرف درست است که کاهش تورم به معنای کاهش قیمت‌ها نیست، اما واقعا ایشان انتظار داشتند قیمت‌ها ساعتی گران شوند و اینکه این اتفاق رخ نداده است را دستاورد خود تلقی می‌کنند؟

با این حال اگر برخی بازارها را رصد کنیم، بی‌راه نیست که بگوییم قیمت‌ها به صورت روزانه یا حتی ساعتی نوسان می‌کنند. قبلا بازار ارز به این ویژگی که قیمت‌ها در طول روز مدام نوسان می‌کند شهره بود، اما حالا به قول قصاب‌های شهر، قیمت گوشت قرمز هم شده مثل نرخ ارز و لحظه‌ای تعیین می‌شود! اگر قیمت این قلم خوراکی هر کیلو 50 هزار تومان باشد یا شانه تخم مرغ 2 هزار تومان گران شود و... باز هم رواست که کاهش تورم را به این بهانه که آمار می‌گویند میانگین وزنی تورم مثلا 385 قلم کالا 7 یا 8 درصد است، به عنوان دستاورد خود تلقی کنیم؟

اذعان روزنامه حامی دولت به تورم 50 درصدی در دولت یازدهم

شاید خیلی از مردم با برخی از اقلام سبد محاسبه تورم بیگانه باشند پس بررسی اقلام مورد استفاده مردم متوسط و ضعیف جامعه معیار واقعی‌تری برای سنجش تورم است. البته این را هم از خودمان نمی‌گوییم، شخص رئیس جمهور گفته است که ملاک «جیب مردم» است نه آمارهای روی کاغذ. اما حالا چه شده است که از اعلام نرخ تورم 50 درصدی طی سه سال و نیم دولت یازدهم برآشفته می‌شوند؟

این بار دیگر فقط کیهان نمی‌گوید. همین دیروز یکی از روزنامه‌های حامی دولت که ید طولایی در تطهیر آمار و وعده‌های دولت دارد، لابه‌لای مطلب تیتیر نخست خود و در هیجان جا زدن این نکته که دلیل اصلی افزایش افسارگسیخته نرخ دلار در هفته‌های اخیر، عمدتا روند جهانی تقویت ارزش دلار بوده و نه مشکلات داخلی، توضیح می‌دهد که، علیرغم تورم بالای کشور در 3 سال دولت روحانی، نرخ دلار به نسبت کمتری رشد کرده و در ادامه با تأکید بر این نکته به عنوان فتح‌الفتوح دیگری از دولت یازدهم، می‌نویسد: «این در حالی است که تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران (نرخ تورم) از خرداد 92 تا آغاز سال جاری 49 درصد افزایش یافته در مقابل تغییرات شاخص قیمت در آمریکا 4 درصد گزارش شده است.»

باز هم جای شکر آن باقی است که رسانه حامی دولت این نکته را گفته که تورم عمومی در سه سال دولت یازدهم حدود 50 درصد بوده که البته باید بررسی شود که اقلام پرمصرف مردم چقدر بیشتر از این میانگین افزایش قیمت داشته‌اند. بگذریم که همان ادعای برونزا بودن افزایش نجومی قیمت دلار هم شاید تا اندازه‌ای درست، اما قطعا ناقص است، چرا که دلایلی همچون سوءمدیریت و احتمال دست داشتن دولت برای جبران کسری بودجه و... در این بازار کاملا آشکار است. درد مردم

برای اینکه به نسبت دقیق حرف‌های اخیر رئیس جمهور با واقعیت جامعه پی ببریم، گزارش تیتیر یک دیروز کیهان را بخوانید. ببینید مردم درباره ادعای ایجاد 700 هزار شغل و تورم 8 درصدی چه واکنشی نشان داده‌اند. کاسبی گفته است که امسال 3 مغازه در مجتمع ما تعطیل شده است و تعدادی دیگر در حالت نیمه تعطیل است. بگذریم از اینکه تعداد زیادی کارگر به خاطر رکود در بازار، از کار بیکار شده‌اند.

کسبه دیگری گفته است «افرادی از طریق رانت ارزی و گمرکی، تجهیزات مرتبط در بخش‌های صنعت و کشاورزی را به کشور وارد می‌کنند و به مشتری تحویل می‌دهند و از این طریق، کسبه فعال در بازار دچار خسارت‌های هنگفتی می‌شوند.» پیرمردی هم از گرانی و عدم توان خرید حرف می‌زند و.... این‌ها واقعیات جامعه است از زبان جیب مردم! وگرنه اگر رئیس جمهور گفتگوی تلویزیونی خود را به شماره 100 برساند ولی فقط بگوید که «به آینده اقتصاد کشور بسیار خوشبینم»، رسانه‌های حامی‌اش ناچارند بنویسند: آقای رئیس جمهور «قصه بگو»!